

کوتاه از دیپلماسی

۳ زندانی ایرانی از ژاپن منتقل شدند

● **ایرنا:** سفارت جمهوری اسلامی ایران در توکیو از انتقال اولین گروه سه نفره از زندانیان ایرانی در زندان‌های ژاپن به کشور برای گذراندن دوران محکومیتشان خبر داد. سفارت ایران در توکیو در توییت نوشت: «با همکاری وزارت دادگستری و معاونت کنسولی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و وزارتین خارجه و دادگستری ژاپن و همچنین تلاش و پیگیری سفارت کشورمان در توکیو، صبح امروز [سه‌شنبه] موافقت‌نامه تبادل (انتقال) محکومان بین دو کشور با عزیمت اولین گروه سه‌نفره محکومان زندانی ایرانی به مقصد تهران اجرایی شده». معاهده انتقال محکومان بین ژاپن و جمهوری اسلامی ایران در ۱۹ دی ۱۳۹۳ توسط «قومو کیشیدا»، وزیر امور خارجه وقت ژاپن و در تاریخ ۲۰ دی ۱۳۹۳ توسط «مصطفی پورمحمدی»، وزیر دادگستری جمهوری اسلامی ایران، به امضا رسید. این قانون در ۱۳ مهر ۱۳۹۴ در مجلس شورای اسلامی تصویب و در ۲۶ دی ۱۳۹۴ ازسوی مجمع تشخیص مصلحت نظام تایید شد.

مورا:

مشکلات در وین حل شدنی است

● **ایلنا:** مقام اروپایی نسبت به حل موانع موجود در وین ابراز امیدواری کرد. این دیپلمات اروپایی معتقد است «موانع» بر سر راه احیای توافق هسته‌ای ایران می‌تواند «حل» شود.
انریکه مورا، هماهنگ‌کننده نشست‌های وین گفت: «امیدوارم مذاکرات بین‌المللی منجر به محدودیت مجدد در برنامه هسته‌ای ایران شود، اما ممکن است زمان بیشتری لازم باشد». در مذاکرات وین که مورا در حال سازماندهی آن است، دیپلمات‌ها در زمینه رفع موانع اساسی پیشرفت کردند. مورا گفت: «من معتقدم می‌توان از موانع عبور کرد». به‌همین‌دلیل ما جمع شده‌ایم. برای مذاکره درباره روش‌های مختلف و من معتقدم مورا خواهیم بود.»

وزیر خارجه آمریکا:

اکنون توپ در زمین ایران است

● **ایسنا:** وزیر خارجه آمریکا تاکید کرد که توپ اکنون در زمین ایران است و خواهیم دید که چه تصمیمی اتخاذ می‌کند.
به گزارش الجزیره، آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا گفت: «در مذاکرات غیرمستقیم با ایران از برخی موانع عبور کردیم اما همچنان اختلافات بنیادین وجود دارد». وزیر خارجه آمریکا تاکید کرد: «توپ اکنون در زمین ایران است و خواهیم دید که چه تصمیمی اتخاذ می‌کنند و من نمی‌دانم که رهبر ایران آماده بازگشت به تعهدات هسته‌ای است یا خیر.»

اولیانوف:

موضوع نیروگاه اتمی بوشهر تأثیری بر مذاکرات وین ندارد

● **ایسنا:** نماینده دائم روسیه در سازمان‌های بین‌المللی گفت که موضوع نیروگاه اتمی بوشهر و اختلافات احتمالی ایران و روسیه بر سر این مسئله، ارتباطی با مذاکرات وین ندارد.
میخائیل اولیانوف، نماینده دائم روسیه نزد سازمان‌های بین‌المللی در وین دیروز سه‌شنبه در گفت‌وگو با خبرگزاری اسپوتنیک اظهار کرد: «اختلافات احتمالی روسیه و ایران از نیروگاه هسته‌ای بوشهر نمی‌تواند بر روند مذاکرات در خصوص احیای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) که هم‌اکنون در وین در جریان است، تأثیر بگذارد. اولیانوف در ادامه تصریح کرد: «چنین گمانه‌زنی‌هایی واقعیت ندارند. اگر مشکلی در روابط بین نهادهای اقتصادی به وجود آید، این نمی‌تواند بر روند مذاکرات وین بر سر احیای برجام تأثیر بگذارد». پیش از این برخی رسانه‌ها ادعا کرده بودند که تهران با مسکو در نیروگاه هسته‌ای بوشهر در رابطه با مسائل مالی اختلاف نظر دارد که گفته می‌شد می‌تواند بر روند مذاکرات وین تأثیرگذار باشد.

گفت‌وگوی بایدن و ریبولین درباره ایران

● رئیس‌جمهور آمریکا و رئیس‌جمهور اسرائیل در دیدارشان درباره موضوعات مختلفی از جمله برنامه هسته‌ای ایران گفت‌وگو کردند. به گزارش ایسنا به نقل از خبرگزاری رویترز، جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا در دیدار با رومن ریبولین رئیس‌جمهور اسرائیل درباره روابط واشنگتن-تلاوویو گفت، «تعهد من نسبت به اسرائیل راسخ است» و امیدوار است بتواند به زودی با نفتالی بنت نخست‌وزیر اسرائیل دیدار کند. بایدن درباره برنامه هسته‌ای ایران به ریبولین گفت: «چیزی که می‌توانم به شما بگویم این است که ایران هیچ‌گاه در دوره من به سلاح هسته‌ای دست نخواهد یافت.»

گفت‌وگو با سیدعلی موجانی، مشاور وزیر خارجه، درباره چشم‌انداز دیپلماسی دولت آینده

صدای ایران باید شنیده شود

«گفتمان» دولت جدید، «برنامه‌ای» که تدوین می‌شود و نحوه عمل کارگروه سیاست خارجی چشم‌انداز دیپلماسی دولت جدید را می‌سازد



کشورهای همسایه بود. جامعه‌ه اروپا که بعدها با نام اتحادیه شناخته شد نتیجه تجربه‌های مشابه است. حتی سازهایی کوچک‌تر مانند سازمان همکاری‌های اسلامی، اوپک و…

✎ بنابراین معتقدید در دل همه این بحران‌ها، شرایط فعلی می‌تواند فرصت‌ساز هم باشد؟ اما چگونه؟

الزاما پاسخ پرسش نخست نمی‌تواند مثبت باشد. دلایل متعددی وجود دارد، بحران‌ها شرایطی سیال و زلزله مانند دارند، هم بازیگران کم‌شمار نیستند. هم اثر «اتحاد‌های پیوسته‌ا اما سست و مقطعی و ناپایدار میان نیروهای منطقه‌ای» نیز می‌تواند از نظر دور داشت، به یک روایت؛ اگر در شرایط جدید مردان میدان دیپلماسی از همه توان موجود بهره ببرند و یک هیئت اجرایی و یک قوه اندیشه‌ای با مؤلفه‌های متعددی را شکل دهند، بله گذر از این دالان با همه دشواری‌ها ناممکن نیست. در باب چگونگی؛ سرانجام یک فرمول با توجه به همان واقعیت «اتحاد‌های پیوسته» یا «وجود سستی، مقطعی و ناپایداربودن با نیروهای منطقه‌ای» به‌صورت «بی‌تعیض» باید آزموده شود. آزموده‌های بشری نشان داده تمام‌را‌حل‌ها از دل همان منطق بحران به کف می‌آیند. آرزمانی‌نگریستن یا در این نگاه که چرا گفت‌وگو با طالبان انجام شد، اتخاذ یک سیاست نمود بلکه کوششی برای شناخت واقعیت‌های موجود و زیر زمین است. کمتر رسانه ما توجه داشت که ماه‌ها پیش از سفر هیئت طالبان به ایران، باب مذاکره رسمی و آشکار حاکمیت سیاسی افغانستان با طالبان کشوده شده بود و مسیر سه‌م‌گیری آنان در قدرت نه ازسوی ما بلکه ازسوی دولت کنونی افغانستان پذیرفته شده بود. طالبان نیز تا پیش از رویدادهای اخیر تصمیم به مشارکت با کنونی از درون یک گفت‌وگویی بین‌الملافتانی نداشت، اما اکنون رویکرد طالبان به کسب قدرت توسط قوه نظامی و خارج از روندهای سیاسی تغییر یافته است. اینکه این تغییر حاصل اشتباه محاسباتی است یا رویه دیگری برای سیاست‌ورزی با برگزیدانه، امری دیگر است اما باید توجه داشت اثرات چنین تغییر رویکردی به معنای همان نکته نخست مورد اشاره است. «اتحاد‌های پیوسته اما سست و مقطعی و ناپایدار میان نیروهای منطقه‌ای». نظر شخصی‌ام آن است که هیچ تضمینی هم وجود ندارد این روند پایان پذیرد تا کشورهای منطقه بتوانند به یک برداشت یکسان برسند، بنابراین دوقطبی‌سازی مسائل در فضای سیاست داخلی آنان به یکسان نمود پیدا می‌کند و شما این وضعیت را در مقهور کشورها مشاهده می‌کنید. استمرار شرایط هم دامنه تنش‌های منطقه‌ای را افزایش می‌دهد که یقیناً خسارت‌زا است. باوجوداین، ما نباید اجازه دهیم زمینه تماس و تبادل ما محدود و محصور شود. شاید پرسید چرا؟ به همان دلیل ساده، ایران کشوری است که ظرفیت‌های متعدد با شعب مختلف بر پایه همان عناصری دارد که محورهای تمدنی، خنثی، نژادی، زبانی، فرهنگی و ایدئولوژیک با نسب مختلف هم در حوزه همسایگان هم در دامنه فراسرزمینی را قرن‌هاست برپا داشته‌اند. وقتی به نیمه پُر لیوان می‌نگریم این شاخص‌ها ظرفیت «میانجی‌گری» را –بسیار ما ایجاد می‌کند اما اینکه چرا به کمال از این‌س ظرفیت بهره گرفته نمی‌شود موضوعی دیگر است که شاید یکی از اسباب آن وزارت امور خارجه آغاز شد تا قلمرو هویتی «میان‌رودان» و حوزه خزر مخاطب دانسته شود. سپس به گسترده‌ای تا یمن، شمال آفریقا و حتی بخشی از آسیای جنوب شرقی ادامه یافت؛ برای مثال وقتی در «تمبوکو» با هزاران کیلومتر فاصله از مرزهای ایران امروز، در دل صحرای بزرگ آفریقا شناسه ایران و تشیع یافت شد و با کمک دولت مالی پرورنده شد، اثرش را امروز در آسیای جنوب شرقی با آغاز تحقیقات روی اهل‌بیت (ع) و خاندان‌های ایرانی چون «رازِی» مشاهده کنیم. حتی آن زمان، وقتی مساعی جمعی نتیجه داد، رئیس‌جمهور مالی در سفر رسمی دکتر احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور وقت، مسیر سفر رسمی ایشان را تغییر داد و عالی‌ترین هیئت رسمی جمهوری اسلامی ایران را به دل صحرای کشاند تا نشان دهد هیئت ایرانی با وجود قرن‌ها دوری و گسست، پیوندهای ریشه‌دار با وجود بزرگ آفریقا داشته است. مایلیم این جمله گفته شود: عناصری فراسرزمینی هستند که در تئیدگی هم هویت ایرانی با شناسه ایران را تعریف می‌کنند. یافتن محورهایی که این عناصر بر آن سوار هستند و مهارکردن و به‌استخدام‌گرفتن آنها ازسوی دیپلماسی این امکان را فراهم می‌آورد تا قدرت ما فرونی بگیرد و ژئوپلیتیک ما گسترش فراسرزمینی یابد.

✎ این عناصر چیست و چه موهوبی‌ری را ساخته است؟ زبان فارسی، نژاد ایرانی، تشیع و محبت اهل بیت(ع)، طریقت‌ها، اندیشه‌ها و… نمونه‌های آشکاری هستند که خاکساکه فراسرزمینی دارند اما در پیوند با بستر جغرافیایی کنونی ما هویت خود را معنا می‌کنند.اگر در سیاست‌گذرای‌ها و بیان مواضع محمدرضا خستگاه بومی آنها را در بستر تاریخ پذیریم

دیپلماسی

گفت‌وگو با سیدعلی موجانی، مشاور وزیر خارجه، درباره چشم‌انداز دیپلماسی دولت آینده

وزارت خارجه را باوجود کم‌بودن نفرات و کوچکی ساختار، با نیمی از دولت برابر دانسته بودند. سخن این است مگر وزارت خارجه چه منابع و سرمایه یا چه تولیدات و کارکردی دارد که بتواند در این موقعیت و تراز ملی جای گیرد. از نگاه کلی، سرمایه و منابع وزارت امور خارجه یکی اسناد و مدارکی با قدمت چند قرن است که حافظه تاریخی و دانایی ملی ما را نسبت به محیط بین‌الملل و جهان معاصر شکل می‌دهند که آن را «منابع پایدار» باید نامید و دیگر نیروی انسانی است که تجارب عملکردی نیم‌نسلی را طی یک بازه خدمت سی‌ساله در انبان دارند. همان‌گونه که بهره‌برداری پیوسته با خویش و تحلیل منابع پایدار، دانش ما را در تنظیم مناسبات غنی می‌سازد، نیروی انسانی هم با تجارب و خلاقیتی که با اتکا به عنصر دانایی و اقتضای زمان به کار می‌گیرند، اسباب عبور از بحران‌ها و پیشبرد اغراض و اهداف منطق با منافع ملی را فراهم می‌آورند و «تاکرکرد» می‌شوند تا کشور در آرامش پیشرفت کند. بر پشتی حفظ این منابع و بهره‌گیری «درست» و «به‌جا» و «در زمان» از آنها هرگفتمانی می‌تواند در پوته آزمایش و داوری قرار گیرد و نتایجی ارائه‌کند که کشور را از بی‌عملی در این شرایط خظیر براند.

✎ چگونه این صفحات بر هم منطبق می‌شوند، نتیجه می‌دهند و کارنامه‌های قابل بررسی و ارزیابی نمودار می‌شود؟

فراموش نکنیم مدیریت آتی وزارت امور خارجه نقش اصلی را دارد. دبیهی است که می‌دانیم گفتمانی متفاوت از گذشته در مبارزات انتخاباتی پیروز شد. برنامه‌سازی برای این گفتمان یک فرایند داخلی و سیستمی است که با هیئت‌مدیره جدید دستگاک سیاست خارجی و تحت هدایت وزیر حاصل می‌شود. برنامه‌های هم موفق است که براساس دانش و دانایی ترسیم شود و در نهادهای بالادستی مصوب شده سپس برای اجرا به وزارت خارجه ابلاغ شود. چند هفته‌ای باید تأمل کرد این مسیر طی شود. تازه پس از این آیین‌نامه یا دستورالعمل‌های اجرای برنامه از سوی دوایر ذیربط در ارکان دیپلماسی قرار گیرد؛ بنابراین هم‌زمان «نظارت داخلی» باید آغاز شود و بسته به نتایج، کامیابی‌ها و ناکامی‌ها در جغرافیای هدف، دستورالعمل‌ها بروز شود. به وزارتات این روندها، هماهنگی‌های بین بخشی با سایر دستگاه‌های فعال، همسان‌سازی عملکردی در حوزه دیپلماسی در کلان ملی و حمایت افکار عمومی و قوای نظار هم باید در کنار دیپلماسی قرار گیرد؛ بنابراین حداقل شش‌ماه تا یک سال کوشش و جنبش مبتنی بر «واقع‌گرایی و عقلانیت» همراه با «جسارت و تهور» در برابر عبور از موانع بیرونی و سیاست‌های خنثی‌کننده رقبا و دشمنان، آن‌هم «متبکرانه و مبتنی بر نگاه به بیرون» باید شکل بگیرد تا بتوان درباره کارنامه اولیه اظهارنظر کرد.

✎ اکنون در این جهان پُر تلاطم، برای ورود به میدان عمل، رتبه سیاست خارجی ایران را با چه شاخصی باید ارزیابی کرد؟ این پرسش مهمی است. چهار دهه از انقلاب اسلامی گذشته است، انقلابی که یک آرمان داشت: «نفی قدرت حاکم بر جهان معاصر» که در شعارهای ضد استکباری این کشور، «نه شرقی، نه غربی» درگاه وزارت امور خارجه نصب است. «در قدرت حاکم بر جهان معاصر ما را بی‌احتمال فاشیسم و برآمدن پنج قدرت فائق پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفت و ساختارهایی مانند سازمان ملل و شورای امنیت نظام حاکم معاصر ما را پی‌افکنند. ما چه زمانی به‌تهایی این ساختارها را در یک روند دیپلماتیک مقهور کردیم؟ به‌عنوان یک محقق در حوزه تاریخ دیپلماسی باور دارم این مهم در قطع‌نامه ۲۲۳۱ خود را آشکار ساخت. دیپلماسی کشوری که زیر فشار قطع‌نامه‌ها محکوم شده بود و مجازات‌هایی سخت بر آن تعیین و اعمال می‌شد، در برابر آنچه «هیئت‌مدیره جهان سیاست پس از جنگ» بود، یعنی پنج کشور دارا حق وتو، کرسی دائم، تسلیحات کشتار جمعی، لوگان دریایی و هوایی برتر، قوه نظامی پُر توان و اقتصاد پیروز بود. قرار گرفت تا تاب آورد و به مبارزه و جالش پرداخت. در کنار آن گروه همراه، آلمان قدرت نظامی قاهر قبل از جنگ دوم هم به‌دلیل اقتصاد برترش از سوی این تیم پنج عضو فرخوانده شد و اتحادیه اروپایی به‌عنوان بزرگ‌ترین اتحاد سیاسی و اقتصادی یک قاره هم دعوت شد تا «همه قدرت‌های بلامنازع جهان» مجتمع شکل بگیرند. تردید نیست نیل به این تراز جهانی برای «همارودی» در یک منازعه دیپلماتیک خود یک موهبت حاصل از چهار دهه جنبش و تکاپوی سخت‌نسل پیشین و نسل حاضر ملت ایران بوده است.

دستیابی به این تراز از قدرت توسط جمهوری اسلامی ایران سخت‌ترزینیه بود. آنچه هم روی داد چیزی بود که برای نخستین‌بار در تاریخ شورای امنیت یک قطع‌نامه در مشورت با کشور «خوانده و محکوم» تدوین شد و قدرت‌های بزرگ در برابر منطق همان کشور پذیرفتند برای خود تعهدات و تکالیفی وضع کنند که امری بی‌سابقه بود. حتی آمریکا تصمیم به خروج از برجام و نقض قطع‌نامه گرفت، دیگران آن مجموعه برای حفظ چندجانبه‌گرایی به آن رویه تاسی کردند و در برابر آن ایستادند. یقین است قطع‌نامه ۲۲۳۱ بر ما نیز تکالیفی وضع کرد که برخی را با نامه ضمیمه خود نفی کردیم و حتی آزمایش‌های موشکی را انجام دادیم تا نشان دهیم «نفی قدرت» یا آرمان انقلاب با ابزار دیپلماسی ممکن است؛ بنابراین به نظرم از آن مرحله به یک «رتبه جهانی» رسیدیم. اهمیت موقعیت کشور ما در جهان اکنون با این شاخص سنجیده می‌شود که تنها کشوری بودیم که تدوین قطع‌نامه مکانیسمی قرار دادیم تا همین دامنه محدودیت‌ها هم مانا نماند و قطع‌نامه ۲۲۳۱ به‌صورت خودکار پس از یک دوره زمانی از حیز انتفاع بیفتد. آنچه بایدس پاس داریم حفظ این‌س موقعیت در تراز جهانی ایران و ارتقای هوشمندانه آن همراه با انتقال به‌نسل بعدی است.

ادامه از صفحه اول

حاشیه‌ای پررنگ‌تر از متن

سد فنیسک را شاید هدیه سخاوتمندانه به کویرات سمنان بدانیم. سخاوتی که از کیسه کم‌رزق دامنه‌های شمالی البرز کاسته اما از خشکی آن سوی دیگر هرگز نخواهد کاست. از موارد معدود در پرشمار این کارنامه می‌توان به توافق برای صنایع پتروشیمی در زیست‌کره آسیب‌پذیر و بی‌نظیر میانکاله (که به گورستان پرندگان مهاجر از سبیری تبدیل شده است)، احداث هتل توریستی در آشوراده بهشهر، ادامه نایاستا و هیستریک ویلاسازی در تمامی حاشیه دریسی مارندران (حاشیه‌ای که به شهری با خیابانی ۸۰۰کیلومتری تبدیل شده است)، ادامه بهره‌برداری مافیایی از جنگل‌های استان گلستان و با وجود تصویب قانون تنفس جنگل، سایه ماندگار کابوس انتقال آب خزر به سمنان، موافقت برای انتقال سرشاخه رود ونسک به رفسنجان، نامعدالات فرآینده رود کارون که روزگاری شاهرگ حیاتی استان رزخیز خوزستان بود، مرگ عن‌قرب‌تالاب انزلی، هیسوالی کوه‌خوران که از در و دیوار رشته‌کوه‌های البرز بالا می‌روند و سرانجام زاگرس کبیری که در آتش غفلت‌ها همچنان می‌سوزد و… اشاره کرد. اشاراتی که در حدیث مفصل تخریب‌کنونی حتی در قامت یک مجمل هم نیست. در چنین دامنه بحرانی که بر سرشاخ این بستر حیات کمره‌قرب نشسته و بن آن را می‌بریم آیا از بزرگ‌نامی «چگونگی نشستن» متولی محیط زیست کشور نیابستی شگفت‌زده شد؟ آیا این برجسته‌شدن تنها آدرسی انحرافی به مطالبات جامعه‌ای که زیستن بر بستری سالم از دبیهی ترین حقوقش است، نخواهد بود؟ ای کاش ریاست سازمانی که انتظار می‌رفت از صراحت‌های پیشین خود بهره بگیرد در این واپسین از عمر دولت، اندکی هم از فشارها و تنگناهای آن گفت، از ۸۰ میلیون محیطبان ادعایی که در عمل به هشت هزار هم نرسید و از جنگلی که حتی سازمان اوقاف هم سهمی برای خودش از آن می‌خواهد و از خیلی مگوهایی که اگر نکوبد سرانجام تاریخ و به تلخی خواهد گفت.

کنکور؛ هیاهو برای هیچ

به‌عبارتی ساختارهای کلان جامعه است که چنین مسئله‌ای را دامن زده است. دانش اشتیاق و شور علمی فقط محدود به دانشجویان نیست و شامل برخی استادان نیز می‌شود تا جایی که گاهی بی‌علاقه‌بودن دانشجویان و بی‌انگیزگی استادان مرگ کلاس درس دانشگاهی را رقم می‌زند. تاریخ علم نشان می‌دهد که توسعه علم و دانش همیشه در شرایط ثبات و رفاه حاصل نشده است. تلقی اغلب دانشجویان این است که رابطه میان تحصیلات و موفقیت در زندگی و یافتن شغل آرام‌ساخته شده است. بی‌انگیزگی، رُخوت و عدم تلاش، جوانان را در عرصه علمی و شغلی ناموفق می‌کند. تا یک دهه قبل برخی دانشجویان عالی و ممتاز و اغلب متوسط بودند و تعداد کمی از دانشجویان بی‌انگیزه و در مباحث علمی ضعیف بودند اما امروزه شاهد هستیم که اغلب بی‌علاقه و تعداد کمی عالی و ممتاز هستند و فاصله میان آنها بسیار زیاد است. در این میان مباحث علمی و پژوهشی سی تعداد بسیار کمی از دانشجویان باانگیزه و علاقه‌مند و استاد شکل می‌گیرد و بقیه حتی تماشاجی هم نیستند و سر در گریبان خویش دارند. اکثریت هیچ مزیت و منفعتی در علم و تحصیل نمی‌بیند یا بازیگران توانمند مدلم‌اند نیستند. بر این اساس، تلاش و هزرنه چندساخته شده است. خانواده‌هاشبان و خوشحالی بعد از قبولی در دانشگاه برای اغلب افراد هیاهو برای هیچ است. بی‌انگیزگی و بلاکلیفی دانشجویان گاهی تا سال آخر کارشناسی هم ادامه پیدا می‌کند. تلاش استادان برای ایجاد انگیزه و فعالیت اثرگذار علمی برای برخی دانشجویان که عادت‌واره و خصلت علمی دارند، مؤثر است اما تعداد زیادی از دانش‌آموزان و محصلانشان با میان علم و پژوهش سازگار نیست و بهتر است از همان ابتدا وارد میدان‌های دیگر مانند کسب‌وکار شوند. باید فشار اجتماعی برای دانشجویشان برداشته شود چیسبا بسیاری از این افراد در سایر میدان‌های اجتماعی موفق‌تر عمل می‌کنند و بازیگران موفق عرصه‌های دیگر هستند. ورود این افراد به دانشگاه هردراند زمان و هزینه خود، خانواده‌شان و کشور است.

طرح فضای مجازی و جفا به نیروهای مسلح

پدیدآورندگان می‌توانند بفهمند که سیبل اطلاعات به کدام سو و چگونه در جریان است، اما حتی نمی‌توانند رویه‌روی سیل بایستند. وقتی این شبه‌کها و به‌عبارت دیگر پلنفرها به شکل گرفتند، ماهیت آنها مستقل از آفرینندگان و پدیدآورندگان آنها می‌شود. اشتباه طراحان این طرح این است که می‌خواهند در برابر حرکت و سیل جابه‌جایی اطلاعات بایستند و این اشتباهی است. بی‌کمال این سیل آنان را در هم خواهد پیچید. با تمام شرح فوق، نکته کلونی توجه نگارنده، هیچ‌یک از مسئله‌های پیش‌گفته نبودن‌ریزرا اقلیتی که به قدرت رسیده از این دست طرح‌های شتاب‌ده و خام زیاد ارائه داده و بیش از این ارائه خواهد داد. هرچند هریک از آنها هزینه‌های فراوانی برای این ملت به بسار خواهد آورد، اما چون بی‌نتیجه هستند، در نهایت شکست خواهند خورد. مشکل این طرح درگیرکردن بی‌مورد نیروهای مسلح که از شان اجتماعی والایی برخوردار هستند در طرچی است که آشکارا برخلاف مصالح ملی است و شکست آن پیشاپیش روشن است. مشکل اصلی این طرح واردکردن نیروهای مسلح به فرایندهایی است که خارج از چارچوب دفاع ملی هستند و تنها براساس اغراض سیاسی طراحی شده‌اند. این قلم از سر فروتنی و ملت‌خواهی، عرض می‌کنم که قدری به این کشور و این ملت رحم کنید و خدا را خدا را که نیروهای مسلح را وارد بازی خود نکند. نیروهای مسلح شان و منزلتی بسیار فراتر از آن دارند که شما بخواهید آنان را هزینه‌های آنها کنید.